

ارزیابی کف و سقف تورم و رشد اقتصادی ۱۴۰۵

فعلا نباید منتظر کاهش قابل توجه گرانی باشیم

جمهوری خواهان علیه توافق ترامپ با تهران

چرا سناتورهای جمهوری خواه از توافق ترامپ با ایران خشمگین شدند؟

در صفحه ۲

ورود غول نفتی ایران به بورس؛

روّیای قدیمی

بازار سرمایه در پیچ و خم

حقوقی

در صفحه ۲

پشت پرده لایک ها و کامنت ها؛

چه کسانی آسیب می بینند؟

یکی از اصلی ترین چالش‌های حضور نوجوانان در دنیای مجازی، پدیدهٔ «مقایسهٔ اجتماعی» است. در شبکه‌های اجتماعی، نوجوانان دائماً با تصاویر، ویدئوها و داستان‌های دیگران مواجه می‌شوند که اغلب نمایشی زیبا و بدون نقص از زندگی آن‌هاست. این مقایسه‌ها به‌طور مستقیم بر عزت‌نفس نوجوان تأثیر می‌گذارد زیرا باعث می‌شود که او زندگی و ظاهر خود را در برابر دیگران بی‌ارزش‌تر ببیند. به گزارش ایسنا، مفهوم «عزت‌نفس» و «اعتماد به‌نفس» گرچه در بسیاری از مواقع به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما تفاوت‌های مهمی دارند. عزت‌نفس به معنای احساس ارزشمندی و پذیرش خود است؛ فردی که عزت‌نفس بالایی دارد، خود را ارزشمند و شایستهٔ احترام می‌داند حتی اگر در برخی زمینه‌ها موفق نباشد. عزت‌نفس درونی است و تحت تأثیر باورهای فرد دربارهٔ خودش قرار دارد اما اعتماد به‌نفس به باور فرد نسبت به توانایی‌هایش در انجام یک کار خاص مربوط می‌شود. فردی ممکن است در مهارت‌های ورزشی، علمی یا هنری اعتماد به‌نفس داشته باشد اما همچنان از عزت‌نفس پایینی برخوردار باشد. در دنیای مجازی، اعتماد به‌نفس می‌تواند موتفی و وابسته به عملکرد فرد در در این محیط باشد؛ به‌عنوان مثال، یک نوجوان ممکن است در تولید محتوا و دریافت بازخوردهای مثبت در شبکه‌های اجتماعی احساس اعتماد به‌نفس کند، اما همچنان عزت‌نفس پایینی داشته باشد، زیرا ارزش خود را تنها بر مبنای تأیید دیگران می‌سنجد. از سوی دیگر، فردی با عزت‌نفس بالا نیازی ندارد که موفقیت یا ظاهرش را دائماً در معرض قضاوت دیگران قرار دهد تا احساس ارزشمندی کند.دنیای مجازی به دلیل فراهم کردن فرصت‌های گسترده برای دریافت بازخوردهای اجتماعی، می‌تواند هم عزت‌نفس و هم اعتماد به‌نفس را تحت تأثیر قرار دهد.

نوجوانی که اعتماد به‌نفس خود را بر اساس تعداد لایک‌ها، نظرها و میزان محبوبیت در فضای آنلاین تعریف می‌کند، ممکن است در مواجهه با بی‌توجهی یا نقدهای منفی احساس ناامیدی و بی‌ارزشی کند.بسیاری از افراد فقط لحظات شاد، موفقیت‌ها و جنبه‌های زیبا از زندگی خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. این امر باعث می‌شود نوجوانان تصور کنند که زندگی دیگران کامل‌تر و بهتر از زندگی خودشان است.تصاویری که در دنیای مجازی منتشر می‌شوند اغلب با فیلترها و ویرایش‌های متعدد همراه هستند. نوجوانان با مقایسه ظاهر خود با این تصاویر غیرواقعی، احساس ناراضیاتی از بدن و چهره خود پیدا می‌کنند.وقتی نوجوان احساس کند که به استانداردهای زیبایی یا موفقیت‌های دیگران نمی‌رسد، ممکن است دچار اضطراب اجتماعی، افسردگی یا کاهش انگیزه شود.یک نوجوان ممکن است با دیدن تصاویر همکلاسی خود در یک سفر تفریحی یا با لباس‌های گران‌قیمت احساس کند که زندگی‌اش کسل‌کننده و کم‌ارزش است. این احساس ممکن است باعث شود که او از فعالیت‌های روزمره خود لذت نبرد و کم‌کم دچار احساس بی‌ارزشی و لطمه خوردن عزت‌نفسش شود.یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد شبکه‌های اجتماعی، امکان دریافت بازخوردهای فوری از دیگران است. هر پستی که منتشر می‌شود در معرض لایک، نظر و اشتراک‌گذاری قرار دارد. این بازخوردها می‌توانند با تشدید عواملی، به شدت بر خودبنداره نوجوان تأثیر بگذارند.نوجوانانی که ارزش خود را بر اساس تعداد لایک‌ها و نظرها می‌سنجند به تدریج به تأیید دیگران وابسته می‌شوند. اگر پست آنها را مورد توجه قرار نگیرد احساس می‌کنند که ارزشمند نیستند.بسیاری از نوجوانان زمان زیادی را صرف انتخاب و ویرایش تصاویر خود می‌کنند تا بیشترین میزان تأیید را دریافت کنند. این رفتار می‌تواند به وسواس درباره ظاهر و افزایش اضطراب اجتماعی منجر شود.

حتی یک نظر منفی می‌تواند احساس خودارزشمندی یک نوجوان را تخریب کند. نوجوانانی که با قلدری مجازی مواجه می‌شوند معمولاً دچار کاهش عزت‌نفس و افزایش افسردگی می‌شوند. دنیای مجازی می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر عزت‌نفس و اعتماد به‌نفس نوجوانان داشته باشد.

پشت پرده کاهش از دواج و فرزند آوری؛ اقتصاد یا تغییر سبک زندگی؟

گزارش

پژوهشگر زنان و خانواده تأکید کرد: تحلیل مسائل زنان و خانواده بدون توجه به تجربه زیسته تحولات اجتماعی، تصویری ناقص و غیرواقعی ارائه می‌دهد.

در دنیای امروز که زندگی زن‌ها در حوزه های فرهنگی اجتماعی،مدیریتی و اقتصادی با تحولات گسترده ای مواجه اند باید شناخت دقیق مسائل و دغدغه های روز آنان را بیش از هر

زمان دیگر مورد اهمیت قرار دهیم.
اگرچه امروز با ناپدید گرفته شدن تحولات خانواده امروز در میانه تغییرات گسترده اجتماعی، فرهنگی و فناوریانه قرار گرفته اند؛ زندگی که از سبک زندگی و الگوهای ارتباطی تا نگرش به ازدواج، فرزندآوری و نقش های خانوادگی را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، شناخت دقیق مسائل زنان و نگاه فراتر از کلیشه ها، به یکی از ضرورت های مهم حوزه سیاست گذاری و رسانه تبدیل شده است.
موفقیت، استقلال فردی، روابط عاطفی و حتی اطلاعات زنان و خانواده از دانشگاه (اُراس)، سلامت فعالیت های علمی، پژوهشی و رسانه ای خود را بر بررسی تحولات مرتبط با زنان، خانواده و مسائل اجتماعی متمرکز کرده است گفتگو کریم، مسیری که به گفته او، نه صرفاً از یک دغدغه دانشگاهی، بلکه از مواجهه با مسائل واقعی زنان و خانواده ها در جامعه شکل گرفته است.

در این گفتگو تلاش کرده ایم نگاهی فراتر از روایت های کلیشه ای به مسائل زنان و خانواده داشته باشیم؛ از ریشه های تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده گرفته تا دغدغه های نسل جدید زنان، جایگاه مادری و خانه داری، نقش سیاست گذاری فرهنگی، و تأثیر فناوری های نوین بر آینده زندگی زنان داشته باشیم.در ادامه مشروح این پرسش و پاسخ را می خوانید.

اگر بخواهیم امروز تصویری واقعی از وضعیت زنان و خانواده در ایران ارائه دهیم، به نظر شما مهم ترین مسئله ای که باید در صدر توجه سیاست گذاران و رسانه ها قرار گیرد چیست؟

مکوندی : به نظر من مهم ترین این است که بتوانیم واقعیت زندگی زنان را در شرایط جدید جامعه بهتر بشناسیم و از نگاه های ساده و تک بعدی فاصله بگیریم. مسائل زنان فقط به یک موضوع خاص مثل اشتغال، ازدواج یا فرزندآوری محدود نمی شود؛ بلکه مجموعه ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی تحولات جهانی بر زندگی زنان و خانواده ها اثر می گذارد.

در سال های اخیر، خانواده ایرانی با تغییرات مختلفی مواجه بوده است؛ از تغییر سبک زندگی و الگوهای ارتباطی گرفته تا تغییر نگرش نسل جدید نسبت به ازدواج، فرزندآوری و نقش های خانوادگی. این تغییرات را نمی توان فقط با یک عامل توضیح داد. مسائل اقتصادی قطعاً مهم است، اما در کنار آن، تغییر ارزش ها، گسترش فضای مجازی، تحولات انتظارات از زندگی و تحولات فرهنگی هم نقش دارند.

به نظر من یکی از نکات مهم این است که امروز باید تجربه زیسته زنان را بیشتر ببینیم. یعنی ببینیم یک زن در زندگی روزمره با چه واقعیت هایی مواجه است. برای مثال، یک زن جوان ممکن است هم زمان دغدغه پیدا کردن شغل، ساختن آینده، تشکیل خانواده و حفظ تعادل میان نقش های مختلف زندگی را داشته باشد. یا یک مادر ممکن است در کنار علاقه به فرزندآوری، با نگرانی های درباره هزینه های زندگی، تربیت فرزند در فضای مجازی و آینده اجتماعی او روبرو و باشد.

در کنار همه این مسائل، اتفاقات بزرگ اجتماعی و منطقه ای نیز بر احساس امنیت، آرامش روانی و نگاه خانواده ها به آینده اثر می گذارد. تجربه جنگ اخیر هم نشان داد که خانواده و زنان، فقط مخاطب پیامد های اجتماعی نیستند؛ بلکه خودشان یکی از مهم ترین عناصر تاب آوری جامعه اند. در چنین شرایطی، نقش زنان در حفظ آرامش خانواده، مدیریت بحران های روزمره، حمایت عاطفی از اعضای خانواده و حفظ انسجام اجتماعی بیش از پیش دیده می شود.

جنگ و بحران های معمولاً نشان می دهند که خانواده مقدر یک نهاد مهم و اثر گذار است. وقتی جامعه با شرایط دشوار مواجه می شود، این خانواده است که نخستین محل حمایت، همدلی و بازسازی روانی افراد فر می گیرد. بنابراین در سیاست گذاری حوزه زنان و خانواده باید به توانمندی های زنان و هم نقشش را که در آینده جامعه ایفا می کنند.

از سوی دیگر، همین تحولات نشان می دهد که مسائل زنان امروز پیچیده تر از گذشته شده است. زن امروز همزمان با مسائل شخصی و خانوادگی، با تحولات بزرگ تری مانند تغییرات فناوری، نااطمینانی های اقتصادی و بحران های اجتماعی مواجه است. بنابراین نیاز داریم نگاه ما به زنان، نگاهی جامع باشد؛ نگاهی که هم دغدغه های واقعی آن ها را ببیند، هم توانمندی های آنها را در نظر بگیرد و هم نقش مهمی در آنها داشته باشد.

به نظر اولویت اصلی این است که زنان و خانواده را به مثابه یکی از پایه های اصلی پایداری اجتماعی ببینیم و برای شناخت دقیق مسائل و تقویت ظرفیت های آن ها برنامه ریزی کنیم.

سلام هاست درباره کاهش ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش فرزندآوری صحبت می شود. به نظر شما ریشه این تغییرات اجتماعی را باید فقط در مشکلات اقتصادی جست وجو کرد یا تغییرات فرهنگی و سبک زندگی هم نقش مهمی دارند؟

مکوندی : به نظر من برای تحلیل این موضوع باید از نگاه تک بعدی فاصله بگیریم. کاهش ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش فرزندآوری پدیده هایی اجتماعی هستند که معمولاً از کنار هم قرار گرفتن چند عامل شکل می گیرند.

مشکلات اقتصادی بدون تردید یکی از عوامل مهم است؛ وقتی جوانان نسبت به آینده شغلی،

تأمین مسکن و ثبات اقتصادی احساس نگرانی دارند، تصمیم گیری برای ازدواج یا فرزندآوری پریشان‌شودوار می‌شود. اما اگر همه مسئله را فقط به اقتصاد تقلیل دهیم، بخشی از واقعیت اجتماعی امروز را نادیده گرفته ایم.

در کنار اقتصاد، تغییرات فرهنگی و سبک زندگی هم نقش بسیار پررنگی دارند. جامعه امروز با چند دهه قبل تفاوت های جدی پیدا کرده است. نگاه افراد به مسیر زندگی، مفهوم موفقیت، استقلال فردی، روابط عاطفی و حتی تعریف آن‌ها از خانواده تغییر کرده است. نسل جدید معمولاً پیش از ازدواج، معیارها و انتظارات متفاوتی دارد و ممکن است زمان بیشتری را صرف تحصیل، ساختن مسیر شغلی یا رسیدن به تصویری که از زندگی مطلوب خود دارد، کند.

در پوهشی که درباره تغییرات الگوی ازدواج و پدیده همایش انجام دادم، یکی از نکاتی که

مورد توجه قرار گرفت این بود که تغییر در الگوهای ارتباطی و شکل گیری روابط عاطفی جدید، فقط یک مسئله فردی نیست؛ بلکه نشانه تغییرات عمیق‌تر در نگرش افراد نسبت به ازدواج، تعهد، خانواده و آینده است. یعنی وقتی الگوهای سنتی ازدواج با تغییرات اجتماعی مواجه می‌شوند، برخی افراد ممکن است به سمت الگوهای متفاوتی از رابطه حرکت کنند. بنابراین برای شناخت این پدیده‌ها باید به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها توجه کرد، نه اینکه فقط آن‌ها را به یک عامل خاص نسبت دهیم.

در موضوع فرزندآوری هم شرایط مشابهی وجود دارد. امروز بسیاری از خانواده‌ها تصمیم به فرزندآوری را با ملاحظات بیشتری بررسی می‌کنند. برای مثال، یک زوج جوان ممکن است به داشتن فرزند علاقه مند باشند، اما وقتی با نگرانی هایی مانند هزینه های زندگی، آینده تحصیلی فرزند، کیفیت تربیت با شرایط اجتماعی روبرو می‌شوند، این تصمیم برایشان پیچیده تر می‌شود. این مثال دیگر، در گذشته برای بسیاری از خانواده‌ها داشتن چند فرزند بخشی طبیعی از سبک زندگی بود، اما امروز یک خانواده ممکن است داشتن یک فرزند را انتخاب کند؛ نه لزوماً به دلیل بی‌علاقگی به فرزند، بلکه چون احساس می‌کند می‌خواهد امکانات بیشتری برای همان یک فرزند فراهم کند. این تغییر نشان می‌دهد که مسئله فقط تعداد فرزندان نیست، بلکه تغییر در تصور خانواده‌ها از کیفیت زندگی و مسئولیت والدگری هم مطرح است.

از سوی دیگر، فضای مجازی و رسانه‌ها نیز در تغییر الگوهای زندگی بی‌تأثیر نبوده‌اند. افراد امروز بیش از گذشته با سبک‌های مختلف زندگی آشنا می‌شوند و این موضوع می‌تواند انتظارات جدیدی از ازدواج و خانواده ایجاد کند. برای مثال، ممکن است جوانی تصویری ایده‌آل شده از زندگی مشترک در فضای مجازی ببیند و همین مسئله بر معیارهای او برای انتخاب همسر یا رضایت از زندگی تأثیر بگذارد.

بنابراین به نظر من راه‌حل این مسائل هم نمی‌تواند فقط اقتصادی باشد و یا فقط فرهنگی. ما نیازمند یک نگاه جامع هستیم؛ نگاهی که هم موانع اقتصادی ازدواج و فرزندآوری را جدی بگیرد، هم تغییرات فرهنگی و نگرشی نسل جدید را بشناسد. مهم‌تر از همه این است که میان سیاست‌گذاری و واقعیت زندگی مردم فاصله ایجاد نشود. اگر بخواهیم خانواده را تقویت کنیم، باید ابتدا بفهمیم خانواده امروز چگونه تغییر کرده و زنان و مردان جوان با چه دغدغه‌هایی وارد مسیر زندگی مشترک می‌شوند.

گاهی گفته می‌شود میان سیاست‌هایی که برای زنان طراحی می‌شود و تجربه واقعی زنان در جامعه فاصله وجود دارد. این فاصله از کجا ایجاد شده و برای نزدیک‌تر شدن سیاست‌ها به واقعیت زندگی زنان چه باید کرد؟

مکوندی : یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه زنان، همین مسئله‌ای است که شما به آن اشاره کردید؛ یعنی فاصله میان آشنه‌ای که در سیاست‌گذاری تعریف می‌شود و «مسئله‌ای که زنان در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند.» البته این به معنای بی‌توجهی به مسائل زنان نیست؛ بلکه نشان می‌دهد شناخت ما از مسائل زنان باید دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت اجتماعی باشد.

گاهی ما یک موضوع را از بالا و در قالب آمار و گزارش می‌بینیم، اما وقتی وارد زندگی واقعی زنان می‌شویم، با جزئیات و پیچیدگی‌هایی مواجه می‌شویم که شاید در طراحی سیاست‌ها کمتر دیده شده باشد. باید به این موضوع توجه کرد که زنان یک گروه یک‌پارچه نیستند؛ تجربه یک زن جوان دانشجوی، یک مادر شاغل، یک زن خانه‌دار، یک زن سرپرست خانوار یا یک زن روستایی با هم تفاوت‌های زیادی دارد و سیاست‌گذاری باید این تفاوت‌ها را در نظر بگیرد. برای مثال، درباره اشتغال زنان معمولاً مسئله را در قالب افزایش فرصت‌های شغلی مطرح می‌کنیم، اما در تجربه واقعی بسیاری از زنان، موضوع فقط داشتن شغل نیست. یک زن ممکن است شاغل باشد، اما با چالش‌هایی مانند نبود امکان همگامی میان کار و خانواده، نبود حمایت

کافی در دوران مادری یا فشار مضاعف مسئولیت‌های خانوادگی مواجه باشد. بنابراین اگر فقط به آمار اشتغال نگاه کنیم، بخشی از مسئله را دیده‌ایم و بخش مهم‌تر یعنی کیفیت تجربه زنان را از دست داده‌ایم. مثال دیگر در موضوع فرزندآوری است. وقتی درباره کاهش فرزندآوری صحبت می‌کنیم، گاهی تمرکز اصلی بر مشوق‌ها و حمایت‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، اما در گفت‌وگو با خانواده‌هایی هستیم که نگرانی‌ها فقط مالی نیست. یک زوج جوان ممکن است درباره آینده فرزندان، کیفیت آموزش، شرایط اجتماعی، زمان کافی برای تربیت کودک یا تعادل میان زندگی شخصی و مسئولیت‌های خانوادگی نگران باشند.

بنابراین برای حل مسئله باید این نگرانی‌های واقعی را هم شنید.

به نظر من یکی از راه‌های کاهش این فاصله، این است که سیاست‌گذاری در حوزه زنان بیشتر مبتنی بر گفت‌وگو با خود زنان، پژوهش‌های میدانی و شناخت تجربه زیسته آن‌ها باشد. یعنی قبل از طراحی هر برنامه‌ای، باید به نظر زنان و خانواده‌های هدف توجه کرد.

همچنین باید از نگاه صفر و صدی فاصله بگیریم. گاهی در حوزه زنان، با فقط از آسیب‌ها صحبت می‌شود یا فقط از توانمندی‌ها؛ در حالی که هر دو واقعیت وجود دارد. زنان هم ظرفیت‌های بزرگی برای حضور اجتماعی و نقش‌آفرینی دارند و هم ممکن است با موانعی مواجه باشند که نیازمند سیاست حمایتی است. در نهایت، به نظر من سیاست موفق در حوزه زنان سیاسی است که از دل جامعه بیرون بیاید؛ یعنی هم به ارزش‌ها و اهداف کلان توجه کند و هم واقعیت زندگی روزمره زنان را ببیند. هر قدر این دو به هم نزدیک‌تر شوند، اعتماد عمومی و اثربخشی برنامه‌ها هم بیشتر خواهد شد. به نظر نگاه ما به مسائل زنان تا چه اندازه از زاویه آسیب‌ها بوده است؟ آیا زمان آن نرسیده که در کنار حل مشکلات، بیشتر درباره ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و نقش‌آفرینی زنان صحبت کنیم؟

مکوندی : سوال خوبی پرسیدید. به اعتقاد من در حوزه زنان، هر دو رویکرد آسیب‌شناسی و توجه به توانمندی‌ها ضروری است و نباید این دو را در مقابل هم قرار دهیم. اگر فقط آسیب‌ها را ببینیم، تصویری ناقص از زنان ارائه داده‌ایم و اگر هم فقط از توانمندی‌ها صحبت کنیم و مسائل واقعی زنان را نادیده بگیریم، از واقعیت اجتماعی فاصله می‌گیریم.

شاید اینطور به نظر برسد که بیان آسیب‌ها و مشکلات در حوزه زنان نوعی سرمایه‌نمایی است

در حالی که نه تنها سرمایه‌نمایی محسوب نمی‌شود بلکه آسیب‌شناسی یک ضرورت به‌شمار می‌آید؛ چون تا زمانی که مسئله را دقیق نشناسیم، نمی‌توانیم برای آن راه‌حل پیدا کنیم. وقتی درباره موضوعاتی مانند کاهش ازدواج، کاهش فرزندآوری، مشکلات اقتصادی یا صحبت کنیم و مسائل دختران نوجوان یا مسائل خانواده صحبت می‌کنیم، هدف نباید صرفاً بیان مشکل باشد، بلکه باید به دنبال شناخت ریشه‌ها و یافتن راهکارهای مؤثر باشیم.

اما در کنار این موضوع، لازم است نگاه ما به زنان فقط از دریچه آسیب نباشد. گاهی در روایت‌های اجتماعی، زنان بیشتر به عنوان گروهی که نیازمند حمایت هستند معرفی می‌شوند، در حالی که زنان فقط مخاطب سیاست‌ها نیستند؛ آن‌ها خودشان شناسگر، تصمیم‌گیر و اثرگذار در جامعه هستند. لذا بخش مهمی از سرمایه‌انسانی و اجتماعی کشورند و باید ظرفیت‌های آن‌ها دیده و تقویت شود.

تجربه‌های اجتماعی مختلف هم نشان داده است که زنان در موقعیت‌های مختلف توانایی بالایی در مدیریت شرایط و ایجاد همبستگی اجتماعی دارند. برای مثال، در تجربه جنگ اخیر، حضور زنان در کنار خانواده‌ها، در مدیریت دشوار، حفظ آرامش محیط خانواده و حتی مشارکت در برخی فعالیت‌های اجتماعی، نشان داد که زنان فقط در نقش دریافت‌کننده حمایت تعریف نمی‌شوند؛ بلکه می‌توانند در شرایط بحرانی نقش فعال و اثرگذار داشته باشند. حضور و مشارکت زنان در جمع‌ات شبانه و فعالیت‌های اجتماعی شکل گرفته در آن نرین نشان داد که زنان ظرفیت بالایی برای ایجاد ارتباط، انتقال پیام و ایجاد تحرک اجتماعی دارند. البته این به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست. اتفاقاً شناخت این ظرفیت‌ها باید همراه با شناخت موانع باشد. برای مثال، وقتی درباره زنان سرپرست خانوار صحبت می‌کنیم، اگر فقط آن‌ها را به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر ببینیم، ممکن است توانمندی‌ها و مهارت‌های آن‌ها را نن بینیم. بسیاری از این زنان در شرایط دشوار توانسته‌اند خانواده خود را مدیریت کنند. وارد فعالیت اقتصادی شوند یا مسیر مستغلی برای زندگی ایجاد کنند. بنابراین در کنار حمایت، باید زمینه توانمندسازی و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها هم فراهم شود.

یا درباره مادران، گاهی روایت غالب فقط بر دشواری‌های مادری متمرکز می‌کند؛ مانند خستگی، فشار مسئولیت‌ها یا مشکلات اقتصادی. این مسائل واقعی هستند و باید برای آن‌ها برنامه داشت، اما در کنار آن باید نقش تربیتی، عاطفی و اجتماعی مادران را هم دید. مادری فقط یک مسئولیت شخصی نیست؛ بلکه یکی از عوامل مهم شکل‌گیری نسل آینده و انسجام اجتماعی است. به نظر من نیاز امروز جامعه این است که روایت ما از زن کامل‌تر و مؤثرتر شود؛ یعنی زنی را ببینیم که هم ممکن است با چالش‌هایی روبرو و باشد و نیازمند حمایت باشد، و هم دارای توانمندی، خلاقیت و قدرت اثر گذاری است.

سیاست‌گذاری موفق در حوزه زنان باید همین نگاه متوازن را داشته باشد؛ یعنی از یک سو موانع و مشکلات را کاهش دهد و از سوی دیگر فرصت نقش‌آفرینی زنان را افزایش دهد. خانواده، بیشتر بر موضوعاتی مانند مرخصی والدین، تعطف از محیط کار، توسعه همگامی زن‌ان امثال دیگر، در گذشته برای بسیاری از خانواده‌ها داشتن چند فرزند بخشی طبیعی از سبک زندگی بود، اما امروز یک خانواده ممکن است داشتن یک فرزند را انتخاب کند؛ نه لزوماً به دلیل بی‌علاقگی به فرزند، بلکه چون احساس می‌کند می‌خواهد امکانات بیشتری برای همان یک فرزند فراهم کند.

این تغییر نشان می‌دهد که مسئله فقط تعداد فرزندان نیست، بلکه تغییر در تصور خانواده‌ها از کیفیت زندگی و مسئولیت والدگری هم مطرح است. از سوی دیگر، فضای مجازی و رسانه‌ها نیز در تغییر الگوهای زندگی بی‌تأثیر نبوده‌اند. افراد امروز بیش از گذشته با سبک‌های مختلف زندگی آشنا می‌شوند و این موضوع می‌تواند انتظارات جدیدی از ازدواج و خانواده ایجاد کند. برای مثال، ممکن است جوانی تصویری ایده‌آل شده از زندگی مشترک در فضای مجازی ببیند و همین مسئله بر معیارهای او برای انتخاب همسر یا رضایت از زندگی تأثیر بگذارد.

بنابراین به نظر من راه‌حل این مسائل هم نمی‌تواند فقط اقتصادی باشد و یا فقط فرهنگی. ما نیازمند یک نگاه جامع هستیم؛ نگاهی که هم موانع اقتصادی ازدواج و فرزندآوری را جدی بگیرد، هم تغییرات فرهنگی و نگرشی نسل جدید را بشناسد. مهم‌تر از همه این است که میان سیاست‌گذاری و واقعیت زندگی مردم فاصله ایجاد نشود. اگر بخواهیم خانواده را تقویت کنیم، باید ابتدا بفهمیم خانواده امروز چگونه تغییر کرده و زنان و مردان جوان با چه دغدغه‌هایی وارد مسیر زندگی مشترک می‌شوند.

گاهی گفته می‌شود میان سیاست‌هایی که برای زنان طراحی می‌شود و تجربه واقعی زنان در جامعه فاصله وجود دارد. این فاصله از کجا ایجاد شده و برای نزدیک‌تر شدن سیاست‌ها به واقعیت زندگی زنان چه باید کرد؟

مکوندی : یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه زنان، همین مسئله‌ای است که شما به آن اشاره کردید؛ یعنی فاصله میان آشنه‌ای که در سیاست‌گذاری تعریف می‌شود و «مسئله‌ای که زنان در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند.» البته این به معنای بی‌توجهی به مسائل زنان نیست؛ بلکه نشان می‌دهد شناخت ما از مسائل زنان باید دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت اجتماعی باشد.

گاهی ما یک موضوع را از بالا و در قالب آمار و گزارش می‌بینیم، اما وقتی وارد زندگی واقعی زنان می‌شویم، با جزئیات و پیچیدگی‌هایی مواجه می‌شویم که شاید در طراحی سیاست‌ها کمتر دیده شده باشد. باید به این موضوع توجه کرد که زنان یک گروه یک‌پارچه نیستند؛ تجربه یک زن جوان دانشجوی، یک مادر شاغل، یک زن خانه‌دار، یک زن سرپرست خانوار یا یک زن روستایی با هم تفاوت‌های زیادی دارد و سیاست‌گذاری باید این تفاوت‌ها را در نظر بگیرد. برای مثال، درباره اشتغال زنان معمولاً مسئله را در قالب افزایش فرصت‌های شغلی مطرح می‌کنیم، اما در تجربه واقعی بسیاری از زنان، موضوع فقط داشتن شغل نیست. یک زن ممکن است شاغل باشد، اما با چالش‌هایی مانند نبود امکان همگامی میان کار و خانواده، نبود حمایت و مشارکت زنان در جمع‌ات شبانه و فعالیت‌های اجتماعی شکل گرفته در آن نرین نشان داد که زنان ظرفیت بالایی برای ایجاد ارتباط، انتقال پیام و ایجاد تحرک اجتماعی دارند. البته این به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست. اتفاقاً شناخت این ظرفیت‌ها باید همراه با شناخت موانع باشد. برای مثال، وقتی درباره زنان سرپرست خانوار صحبت می‌کنیم، اگر فقط آن‌ها را به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر ببینیم، ممکن است توانمندی‌ها و مهارت‌های آن‌ها را نن بینیم. بسیاری از این زنان در شرایط دشوار توانسته‌اند خانواده خود را مدیریت کنند. وارد فعالیت اقتصادی شوند یا مسیر مستغلی برای زندگی ایجاد کنند. بنابراین در کنار حمایت، باید زمینه توانمندسازی و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها هم فراهم شود.

بازار مسکن زیر تیغ آکهی‌های صوری؛پلتفرم‌های خانه‌یاب شمشیر دولبه بازار

در حالی که پلتفرم‌های خانه‌یاب با هدف تسهیل معاملات مسکن ایجاد شدند، کارشناسان معتقدند انتشار آکهی بدون نظارت و قیمت‌های غیرواقعی، به یکی از عوامل اصلی قیمت‌سازی در بازار تبدیل شده است.

گزارش مهر، بازار مسکن ایران طی سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر «انتظارات روانی» قرار گرفته است؛ بازاری که در آن گاهی یک فایل آکهی منتشر شده در یک پلتفرم آنلاین، بیش از آمارهای رسمی یا حتی معاملات واقعی بر ذهنیت خریداران و فروشندگان اثر می‌گذارد. اگرچه پلتفرم‌های آنلاین خانه‌یاب با هدف تسهیل دسترسی به اطلاعات، افزایش شفافیت و کاهش هزینه جست‌وجوی ملک شکل گرفتند، اما در نبود نظارت مؤثر، احراز هویت دقیق آکهی‌دهندگان و سازوکارهای حرفه‌ای قیمت‌گذاری، این بسترها به یکی از عوامل شکل‌گیری انتظارات تورمی و قیمت‌سازی در بازار مسکن تبدیل شده‌اند؛ موضوعی که کارشناسان و فعالان صنفی بارها نسبت به آن هشدار داده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از قیمت‌هایی که امروز در بازار مسکن به عنوان «مرجع ذهنی» مورد استناد قرار می‌گیرد، نه بر پایه معاملات قطعی، بلکه بر اساس قیمت‌های پیشنهادی درج‌شده در پلتفرم‌های اینترنتی است؛ قیمت‌هایی که در بسیاری از موارد هیچ معامله‌ای یا آن ارقام انجام نشده اما به تدریج به مبنای تعیین نرخ سایر املاک تبدیل می‌شوند.

بازار مسکن؛ بازاری که با انتظارات قیمت می‌گیرد
یکی از مهم‌ترین ایرادهای پلتفرم‌های آنلاین خانه‌یاب، تبدیل شدن آنها از یک ابزار اطلاع‌رسانی به یک مرجع قیمت‌گذاری غیرواقعی است. در بازارهای عادی، قیمت نهایی کالا بر اساس معامله واقعی مشخص می‌شود اما در بازار مسکن، قیمت پیشنهادی نیز می‌تواند رفتار فعالان بازار را تغییر دهد.

به بیان دیگر، زمانی که مالک یا سازنده‌ای یک واحد مسکونی را با قیمتی بالاتر از ارزش واقعی در سامانه‌های اینترنتی آکهی می‌کند، سایر مالکان همان منطقه نیز به سرعت همان قیمت را مبنای نرخ‌گذاری قرار می‌دهند؛ حتی اگر هیچ خریداری حاضر به پرداخت آن مبلغ نباشد؛ این روند به مرور باعث فاصله گرفتن قیمت‌های پیشنهادی از قیمت‌های واقعی و ایجاد شکاف میان عرضه و تقاضا را افزایش می‌دهد.

قیمت‌سازی؛ مهم‌ترین آسیب پلتفرم‌های خانه‌یاب
یکی دیگر از چالش‌های جدی این سامانه‌ها، امکان قیمت‌سازی است. در بسیاری از این پلتفرم‌ها هر فردی می‌تواند بدون ارائه مستندات کارشناسی، قیمت دلخواه خود را برای یک ملک ثبت کند. این موضوع زمینه سوامستفاده برخی سوداگران را فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که با انتشار چندین آکهی با قیمت‌های بالا در یک محدوده، سطح انتظارات قیمتی کل منطقه افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، حتی اگر هیچ معامله‌ای با آن قیمت انجام نشود، همان ارقام به عنوان شاخص ذهنی بازار شناخته می‌شود، کارشناسان معتقدند این مسئله در مناطقی که تعداد فایل‌های عرضه محدود است، اثرگذاری بیشتری دارد و می‌تواند ظرف مدت کوتاهی قیمت کل یک محله را تحت تأثیر قرار دهد. زمانیکه روزانه هزاران آکهی با قیمت‌های رو به افزایش در فضای مجازی منتشر می‌شود، این تصور در میان مالکان ایجاد می‌شود که ارزش املاک به سرعت در حال رشد است؛ بنابراین بسیاری از فروشندگان از عرضه ملک خودداری کرده یا قیمت‌های بالاتری پیشنهاد می‌کنند. در نتیجه عرضه کاهش یافته و رکود معاملاتی تشدید می‌شود؛ از سوی دیگر خریداران نیز با نگرانی از افزایش بیشتر قیمت‌ها، تصمیم‌های هیجانی اتخاذ می‌کنند که خود موجب تشدید نوسانات بازار خواهد شد.

نیود نظارت تخصصی بر قیمت‌گذاری

یکی از انتقادهای جدی فعالان صنفی، نبود مرجع مشخص برای نظارت بر عملکرد این پلتفرم‌ها است. از آنجا که این سامانه‌ها خود را صرفاً بستر انتشار آکهی معرفی می‌کنند، مسئولیتی در قبال قیمت‌های درج‌شده نمی‌پذیرند؛ در حالی که اثرگذاری آنها بر بازار مسکن بسیار فراتر از یک فضای تبلیغاتی ساده است؛ همین خلأ نظارتی موجب شده فرآیند قیمت‌گذاری در بسیاری از مناطق شهری مملتا تحت تأثیر آکهی‌های اینترنتی قرار گیرد.

امکان انتشار آکهی‌های صوری و تکراری
از دیگر آسیب‌های این پلتفرم‌ها می‌توان به انتشار آکهی‌های غیرواقعی، فایل‌های تکراری، قیمت‌های ساختگی و حتی آکهی‌هایی اشاره کرد که اساساً مالک مورد نظر برای فروش وجود خارجی ندارد، هدف از انتشار این آکهی‌ها در برخی موارد صرفاً افزایش قیمت منطقه، جذب مشتری یا سنسچ واکش بازار است؛ چنین اقداماتی باعث کاهش اعتماد عمومی و ایجاد اختلال در فرآیند کشف قیمت واقعی می‌شود. تأثیر این پلتفرم‌ها تنها به خرید و فروش محدود نمی‌شود، در بازار اجاره نیز بسیاری از موجران نرخ اجاره‌بها را بر اساس فایل‌های منتشر شده در فضای مجازی تعیین می‌کنند، نه قراردادهای واقعی منعقد شده؛ در نتیجه حتی در شرایطی که معاملات اجاره رشد چندانی نداشته باشد، قیمت‌های پیشنهادی در پلتفرم‌ها می‌تواند موج جدیدی از افزایش اجاره‌بها ایجاد کند.

پلتفرم‌های خانه‌یاب؛ ابزار یا عامل التهاب؟

سامانه مجرمی نمینیی، نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک در گفتگو با مهر درباره نقش پلتفرم‌های آنلاین خانه‌یاب در بازار مسکن اظهار کرد: پلتفرم‌های آنلاین خانه‌یاب در اصل باید به‌عنوان یک ابزار در خدمت بازار مسکن باشند و می‌توانند به شفافیت اطلاعات کمک کنند که این موضوع بسیار مثبت است، اما این ابزار مسکن باید بر پایه داده‌های واقعی و کارشناسی‌شده فعالیت کنند.وی افزود: در حال حاضر به دلیل نبود نظارت مؤثر، این پلتفرم‌ها زمینه ایجاد انتظارات تورمی و قیمت‌سازی در بازار مسکن را فراهم کرده‌اند، یکی از مشکلات موجود این است که برخی مالکان قیمت‌های درج‌شده در این سامانه‌ها را بر مبنای قیمت‌های واقعی و معاملاتی تعیین نمی‌کنند، بلکه نرخ‌های پیشنهادی خود را بر اساس آکهی‌های مشابه ثبت می‌کنند؛ در حالی که این قیمت‌ها لزوماً با واقعیت بازار منطبق نیست.

مجرمی نمینیی ادامه داد: برای مثال اگر یک سازنده در یک برج یا یک منطقه، تعداد زیادی واحد را با قیمت‌های خاص می‌کند، همین وی تصریح کرد: در چنین شرایطی یک خرید غیرکارشناسی شکل می‌گیرد؛ زیرا قیمت‌گذاری در بازار مسکن نیازمند بررسی دقیق مؤلفه‌های تخصصی است.وی تأکید کرد: اگر یک پلتفرم صرفاً بستری برای خرید و فروش کالاهای دست‌دوم یا خدمات عمومی باشد، نباید تلاش چندانی در قیمت‌گذاری‌ها ایجاد نشود؛ اما در حوزه مسکن، کوچک‌ترین تغییر در قیمت هر متر مربع می‌تواند منجر به جابه‌جایی قابل توجه ارزش یک ملک شود. به همین دلیل قیمت‌گذاری در این بخش نیازمند نظارت و کارشناسی تخصصی است.مجرمی نمینیی ادامه داد: برای مثال اگر در یک برج مسکونی در غرب تهران تعداد زیادی واحد با قیمت مشخصی آکهی شود، همان قیمت می‌تواند به‌تدریج مبنای ذهنی فعالان بازار و متقاضیان قرار گیرد و بر قیمت کل منطقه اثر بگذارد. این روند محدود به منطقه خاصی نیست و در هر نقطه‌ای از شهر می‌تواند موجب تغییر انتظارات قیمتی و جابه‌جایی نرخ‌ها شود.وی خاطرنشان کرد: ریشه این مسئله در غیرکارشناسی بودن قیمت‌های درج‌شده در بسیاری از آکهی‌ها است و بخش قابل توجهی از چالش‌های موجود در بازار مسکن و فرآیند قیمت‌گذاری املاک، ناشی از همین خلأ نظارتی بر پلتفرم‌های آکهی آنلاین است که باید برای رفع آن ضرورت لازم اتخاذ شود.

ارزیابی کف و سقف تورم و رشد اقتصادی ۱۴۰۵/ فعلا نباید منتظر کاهش قابل توجه گرانی باشیم

یک تحلیل گر اقتصاد سیاسی به بررسی سناریوهای سفید و سیاه اقتصاد در ۱۴۰۵ پرداخت. گزارش اقتصادی اخیر مرکز آمار پرده از عمق رکود تورمی در ۱۴۰۴ برداشت. در حالی‌که تا پایان آن سال نرخ تورم نقطه به نقطه به بیش از ۷۱ درصد رسیده که بیش از تمام سال‌های گذشته است، نرخ رشد اقتصادی به ۰.۲ درصد و نرخ رشد بدون احتساب نفت هم به -۰.۳ درصد رسید. به این ترتیب کمترین میزان رشد اقتصادی از زمان کرونا در شرایطی رقم خورد که تورم بیش از تمام سال‌های گذشته بوده است. به این معنا در ۱۴۰۴ با بیشترین رکود تورمی تجربه شده در کشور مواجه شدیم.

محمد تقی فیاضی، کارشناس اقتصاد سیاسی، با بیان این‌که اقتصاد در ۱۴۰۴ در ضعیف‌ترین حالت خود قرار داشت، هشدار داد که رفع تحریم‌ها برای دو ماه نهایتاً یکی دو واحد درصد بر رشد خواهد افزود و چند درصدی هم از تورم کم می‌کند اما رشد اقتصادی اسمال مثبت نخواهد شد و تورم هم در بهترین سناریو به کمتر از ۵۰ درصد نخواهد رسید.

در سال ۱۴۰۴ رشد اقتصادی به ۰.۲ درصد رسید و این در حالی بود که در همان بازه زمانی نرخ تورم نقطه‌ای هم به بیش از ۷۱ درصد رسید. با این وصف می‌توانیم بگوییم سال ۱۴۰۴ سال از دست رفته اقتصاد ما بود؟

همین طور است، حتی وقتی سراغ جزئیات می‌رویم، بیشتر متوجه این نکته می‌شویم. از جمله این‌که رشد اقتصادی بدون احتساب درآمدهای نفتی -۰.۳ درصد بود و رشد تورم هم ادامه یافت چنان‌که در پایان اردیبهشت ماه نرخ تورم نقطه‌ای به بیش از ۸۳ درصد هم رسید.

بنابراین سال ۱۴۰۴ هم از این جهت که رشد اقتصادی در پایین‌ترین وضعیت بود و هم از این منظر که تورم در آن به بالاترین ارقام رسید، یکی از ضعیف‌ترین سال‌های اقتصاد ایران بود و از نظر نامناسب بودن شرایط، چنین وضعیتی را می‌توانیم بی‌سابقه بنامیم. به هر حال با کاهش رشد اقتصادی، اشتغال هم ایجاد نمی‌شود و در شرایطی که تورم این چنین بالاست، شاخص فلاکت هم به ارقامی کمتر تجربه شده خواهد رسید.

وقتی گفته می‌شود اقتصاد در سالی که گذشت رشدی نزدیک به صفر داشته، معنای آن چیست؟

این به آن معناست که در طول یک سال، فعالیت‌های اقتصادی ارزش افزوده‌ای ایجاد نکرده است. اما در این مدت زمانی منابع کشور، اعم از منابع انسانی تا منابع زیرزمینی، صرف شده‌اند اما باز هم ثروتی در داخل کشور ایجاد نشده است.

بنابراین وقتی گفته می‌شود رشد اقتصادی حدود صفر بوده از یک طرف به معنای افزایش نیاختن ثروت‌ها است و از سوی دیگر به معنای اتلاف و هدررفت منابع است. لازم به گفتن است که ما فقط در این دو سال دچار چالش رشد پایین نشدیم و اگر به میانگین رشد اقتصادی از ابتدای دهه ۹۰ مراجعه کنیم، با رشدی بسیار نا چیز و در حدود یک درصد مواجه خواهیم شد که به مراتب از ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ایران کمتر است.

وضعیت تورم کشور هم بسیار نگران‌کننده و ناگوار است، تبعات این وضعیت تورمی چیست؟

از یک طرف نرخ تورم آن‌قدر بالا رفته که به وضوح و

به طور چشمگیری قدرت خرید اکثریت مردم را به شدت کاهش داده است و همین نیز به بحران بنگاه‌های کشور افزوده و تقاضای کل را کاهش داده و به این اعتبار به رشد لطمه زده است. از سوی دیگر نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص هم به -۲.۸ درصد رسیده که در شرایط تورم بالای



فعلی، نرخ عجیبی نیست و قابل پیش‌بینی بود که وضعیت تشکیل سرمایه نامناسب باشد. سرمایه‌گذاران برای آن‌که حاضر به سرمایه‌گذاری شوند پیش از هر چیز به ثبات اقتصادی و چشم‌انداز سه تا پنج ساله نگاه می‌کنند. در شرایط تورم بالا کمتر سرمایه‌گذاری حاضر می‌شود سرمایه‌خود را وارد اقتصاد کند. منفی شدن روند تشکیل سرمایه چیزی نیست که یک سال بعد رفع شود و تا چند سال ما با اثرات آن مواجه خواهیم شد، تا زمانی که دوباره سرمایه‌گذاری افزایش مناسبی پیدا کند.

چشم‌انداز اسمال اقتصاد را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟
وضعیت شاخص‌های کلان اقتصاد ما کاملاً وابسته است به نتیجه مذاکرات، جنگ و سرانجام تحریم. طبعاً هر چه در این بخش، موانع بیشتری مانند تحریم رفع شوند، در نتیجه نهایی عملکرد اقتصاد ایران تأثیرگذار است.

اکنون ایالات متحده برای دو ماه و تا پایان مرداد تصمیم به الغای تحریم‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران گرفته است. این در حالی است که پیش از این حجت میرزایی، تحلیل‌گر اقتصادی و معاون پیشین وزیر کار، گفته بود احتمال دارد با ادامه وضعیت فعلی نرخ رشد به -۱۰ درصد برسد. الغای تحریم‌های نفتی و پتروشیمی برای دو ماه هج‌قدر بر روند رشد اقتصادی تأثیرگذار است؟

برای رشد اقتصادی بیش از همه نیاز به سرمایه‌گذاری است و سرمایه‌گذاری هم نیازمند بهبود وضعیت فعلی است. برای دو ماه گشایشی شکل نخواهد گرفت، البته بی تأثیر هم نیست اما گشایش محسوسی را به وجود نمی‌آورد. نهایتاً نرخ رشد اقتصادی اگر بنا باشد به -۱۰ درصد برسد، ما در دو ماه فروش نفت به -۸ درصد خواهد رسید. هر چند اگر رفع تحریم‌ها طولانی‌تر و پایدار باشد تأثیر آن محسوس‌تر خواهد بود.

با این همه لازم به تأکید است که هر اتفاقی می‌یافتد، اسمال رشد اقتصادی بالایی را تجربه نخواهیم کرد و این امکان هست که مثلاً در ۱۴۰۶ یک رشد یک‌ساله و بالا تجربه کنیم.

اگر تا پایان سال فروش نفت و محصولات پتروشیمی آزاد

ارزیابی کف و سقف تورم و رشد اقتصادی ۱۴۰۵/ فعلا نباید منتظر کاهش قابل توجه گرانی باشیم

شود، رشد اقتصادی به صفر خواهد رسید؟ برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار باید سرمایه‌گذاری شود. فروش نفت هم آثار خوبی دارد اما با فروش نفت به رشد پایدار نخواهیم رسید. به هر روی، اگر تا پایان سال هم تحریم‌ها ملغی شوند باز هم من بعید می‌دانم نرخ رشد به صفر برسد یا مثبت شود. آثار خوب فروش نفت تا پایان سال ملموس است اما نه آن‌قدر که از رشد منفی خارج شویم. فکر می‌کنم اگر فروش نفت آزاد باشد در نهایت به نرخ رشد حدود -۵ درصد برسیم.

تورم در صورت لغو تحریم‌ها چقدر ممکن است کاهش پیدا کند؟

دوباره تورم، صرف کاهش تنش‌ها به خودی خود به کاهش انتظارات تورمی منجر می‌شود. در حال حاضر هم این اتفاق افتاده است اما تصمیمات تورم زایی هم این میان گرفته شده است. اخیراً علی مدنی زاده، وزیر اقتصاد گفته در طول دوره جنگ ۱۰۰ همت از بانک مرکزی استقراض کرده‌اند. این مهم در شرایطی رخ می‌دهد که پس از جنگ، به دلیل محاصره دریایی فروش نفت هم به صفر رسید. تبعات این اقدام دولت ۵ تا ۶ ماه آینده آثارش باقی خواهد ماند.

در عین حال کسری بودجه هم روبه افزایش خواهد رفت و معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

در زمینه تورم دولت چهاردهم رکوردشکنی خواهد کرد؟

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

در زمینه تورم دولت چهاردهم رکوردشکنی خواهد کرد؟
فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

فکر می‌کنم حتی اگر تمام تحریم‌ها هم لغو شوند، دولت معلوم نیست آن میزان اوراقی که در بودجه پیش‌بینی شده هم فروش برود که در این صورت باز هم بر کسری بودجه افزوده خواهد شد. بنابراین در بخش تقاضا اوضاع کشور چندان مساعد نخواهد بود.

سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و ورزشی

خبر

ورود غول نفتی ایران به بورس؛ رؤیای قدیمی بازار سرمایه در پیچ و خم حقوقی



رئیس سازمان بورس از پیگیری ورود شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز به بورس خبر داد، مسیری که با موانع جدی روبه‌رواست. اظهارات اخیر صیدی رئیس سازمان بورس درباره پیگیری ورود شرکت‌های بزرگ دولتی همچون شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز به بازار سرمایه، بار دیگر یکی از قدیمی‌ترین ایده‌های توسعه بورس را به صدر مباحث اقتصادی بازگردانده است. هرچند حضور بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور در بازار سرمایه می‌تواند عمق بورس را متحول کرده، ابزارهای جدید تأمین مالی ایجاد کند و در شفافیت عملکرد این شرکت‌ها بیفزاید، اما کارشناسان معتقدند تحقق این ایده با موانع حقوقی، ساختاری، مالی و حتی بین‌المللی روبه‌رو است؛ موانعی که باعث شده طی دو دهه گذشته، موضوع بورسی شدن شرکت ملی نفت ایران از مرحله طرح ایده فراتر نرود. رئیس سازمان بورس اعلام کرده است که این سازمان پیگیر ورود شرکت‌های بزرگ دولتی از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز به بازار سرمایه است و تحقق این هدف را یکی از گام‌های مهم برای توسعه بازار سرمایه عنوان کرده است. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که شرکت ملی نفت ایران بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی کشور از نظر حجم دارایی، گردش مالی و نقش در اقتصاد ایران محسوب می‌شود و ورود آن به بورس، در صورت تحقق، می‌تواند بزرگ‌ترین عرضه تاریخ بازار سرمایه ایران باشد. با این حال، ساختار صنعت نفت ایران تفاوت‌های بنیادینی با شرکت‌های نفتی بزرگ جهان دارد؛ موضوعی که فرآیند بورسی شدن این شرکت را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

تضمین منابع؛ شرکت ملی نفت مالک نفت نیست

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های بین‌المللی، موضوع مالکیت منابع نفتی است.بر اساس قانون اساسی، منابع نفت و گاز کشور جزو انتقال و ثروت عمومی محسوب می‌شود و مالکیت آنها در اختیار دولت است. در نتیجه، شرکت ملی نفت ایران مالک مخازن نفتی نیست، بلکه وظیفه توسعه، استخراج و مدیریت این منابع را بر عهده دارد. همین مسئله ارزش‌گذاری این شرکت را با پیچیدگی جدی روبه‌رو می‌کند؛ زیرا بخش عمده ارزش شرکت‌های بزرگ نفتی جهان بر پایه ارزش ذخایر اثبات‌شده نفت و گاز آنها محاسبه می‌شود، در حالی که چنین دارایی‌هایی در ترازنامه شرکت ملی نفت ایران قابل شناسایی نیست. **شفافیت مالی؛ پیش‌شرطی که هنوز فراهم نشده است**
ورود هر شرکت به بورس مستلزم ارائه صورت‌های مالی شفاف، قابل اتکا و منطبق با استانداردهای حسابداری است، اما شرکت ملی نفت ایران علاوه بر فعالیت اقتصادی، نقش مهمی در اجرای سیاست‌های مالی دولت نیز ایفا می‌کند. روابط مالی میان دولت، شرکت ملی نفت، صندوق توسعه گذشته ساختاری پیچیده پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که تعیین دقیق درآمد، هزینه، سود و تعهدات مالی این شرکت بدون اصلاح این ساختار امکان‌پذیر نیست.

تحریم‌ها؛ مانعی برای افشای اطلاعات

یکی دیگر از مهم‌ترین موانع، تحریم‌های نفتی ایران است. در بازار سرمایه، افشای اطلاعات دقیق درباره میزان فروش، درآمدها، قرارداده‌ها و وضعیت مالی شرکت‌ها یک اصل اساسی محسوب می‌شود، اما بخش مهمی از اطلاعات مربوط به صادرات نفت ایران به دلیل تحریم‌ها مابهی محرمانه پیدا کرده است. حجم صادرات، قیمت فروش، میزان تخفیف‌ها، روش‌های حمل‌ونقل و نحوه تسویه درآمدهای نفتی از جمله اطلاعاتی هستند که انتشار عمومی آنها می‌تواند محدودیت‌های ناشی از تحریم را تشدید کند.در نتیجه، الزام بورس به شفافیت و ضرورت حفظ محرمانگی اطلاعات صادرات نفت، دو الزامی هستند که در شرایط فعلی به‌سختی با یکدیگر قابل جمع هستند.

مأموریت حاکمیتی در برابر منافع سهامداران
شرکت ملی نفت ایران صرفاً یک شرکت تجاری نیست. این شرکت علاوه بر فعالیت اقتصادی، مسئول اجرای سیاست‌های کلان انرژی کشور، توسعه میادین مشترک، تأمین خوراک صنایع، اجرای پروژه‌های راهبردی و انجام بسیاری از مأموریت‌های حاکمیتی است. در مقابل، سهامداران بورس انتظار دارند مدیریت شرکت صرفاً بر مبنای سودآوری و افزایش بازده سرمایه عمل کند. همین دوگانگی مأموریت‌ها، یکی دیگر از چالش‌های اصلی بورسی شدن شرکت ملی نفت به شمار می‌رود؛ زیرا بسیاری از تصمیمات این شرکت الزاماً اقتصادی نیست و بر اساس سیاست‌های کلان دولت اتخاذ می‌شود.

ابهام در ارزش‌گذاری و بدهی‌ها

کارشناسان همچنین معتقدند پیش از ورود شرکت ملی نفت به بورس، باید وضعیت مطالبات و بدهی‌های این شرکت با دولت، صندوق توسعه ملی و پیمانکاران تعیین تکلیف شود. از سوی دیگر، قیمت‌گذاری تکلیفی برخی فرآورده‌های نفتی و نحوه توزیع درآمدهای نفتی نیز بر سودآوری این شرکت اثرگذار است و تا زمانی که این ابهامات برطرف نشود، ارزش‌گذاری دقیق سهام آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

آیا مسیر دیگری برای ورود صنعت نفت به بورس وجود دارد؟

بسیاری از تحلیلگران معتقدند به جای عرضه مستقیم شرکت ملی نفت ایران، می‌توان از سرب‌های کم‌ریسک‌تر استفاده کرد. از جمله این راهکارها، عرضه شرکت‌های تابعه در گام نخست، ایجاد شرکت‌های پروژه برای توسعه میادین نفتی، واگذاری بخشی از شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی صنعت نفت و استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی در بازار سرمایه است. این روش‌ها ضمن حفظ ساختار حاکمیتی شرکت ملی نفت، می‌تواند منابع مالی جدیدی را برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای صنعت نفت جذب کند و تجربه حضور گسترده‌تر این صنعت در بازار سرمایه را فراهم آورد.در مجموع، اگرچه ورود شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز به بورس می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین تحولات تاریخ بازار سرمایه ایران باشد و از منظر افزایش عمق بازار، ارتقای شفافیت و توسعه ابزارهای تأمین مالی اهمیت بالایی دارد، اما تحقق آن صرفاً با تصمیم سازمان بورس امکان‌پذیر نیست.

عباس هنربری- رئیس هیئت مدیره

علی گلچین-نایب رئیس

منوچهر فاخته-منشی

یوسف توکلی-نماینده تام الاختیار هیئت مدیر

جمشید پرومند-عضو



سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: ۰۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۰۲۳۳۸۵۵۰۰۳

آدرس: خیابان شهدا– نبش خیابان پاستور

لاریجانی:

دشمن بداند شمشیر ایران برای دفاع هیچ وقت در غلاف نیست



کارشناس مسائل بین‌الملل، با تأکید بر ضرورت تقویت مستمر توان دفاعی کشور گفت: دشمن باید همواره از این ترسد که جمهوری اسلامی برای دفاع از خود «هیچ‌وقت شمشیرش در غلاف نیست»؛ از این رو باید سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دفاعی و توسعه توانمندی‌های جدید با قدرت ادامه یابد و در کنار آن، اقتصاد جنگی، انسجام ملی و اطلاع‌رسانی دقیق نیز تقویت شود.

محمد جواد لاریجانی، کارشناس مسائل بین‌الملل، شامگاه جمعه پنجم تیرماه در برنامه «گفت‌وگوی ویژه خبری» شبکه خبر سیما با تشریح دستاوردهای جنگ اخیر، تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز را یکی از مهم‌ترین نتایج این نبرد دانست و تأکید کرد: تنگه هرمز از نظر نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی دارای حساسیت‌های فراوان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و بر اساس تأکیدات رهبر معظم انقلاب، باید حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر این آبراه راهبردی تثبیت شود.

وی با بیان اینکه در مسیر دیپلماسی باید این دستاورد تحکیم شود، گفت: اتفاقاتی که در روزهای اخیر رخ داد، در جهت تثبیت این حاکمیت نبود؛ البته این به معنای آن نیست که مسئولان چنین قصدی داشتند. ما دولت را از خودمان می‌دانیم و هر نقدی که مطرح می‌کنیم، برای کمک به دولت است، نه برای مع‌گیری. من شب و روز برای موفقیت دولت دعا می‌کنم و امیدوارم مسئولان در مسیر درست حرکت کنند و در مأموریت خود موفق باشند.

به گزارش فارس، لاریجانی با اشاره به اظهارات مطرح‌شده درباره تنگه هرمز اظهار داشت: در ابتدای کار گفته شد که مسئله تنگه هرمز حل شده و مدیریت و حاکمیت آن در اختیار جمهوری اسلامی ایران است، اما بعداً برخی مواضع، موضوع را به مسائل و قواعد بین‌المللی گره زد که این رویکرد برای بسیاری، از جمله خود من، قابل قبول نبود.

لاریجانی با اشاره به احتمال طراحی سناریوهای جدید از سوی دشمن گفت: ممکن است ظرف مقابل در آینده با شیوه‌های جدید تلاش کنند حاکمیت ایران بر تنگه هرمز را تضعیف کنند، از این رو باید دستاوردهای جنگ را تثبیت کنیم.وی اقدام اخیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در این زمینه اقدامی صحیح دانست و تصریح کرد: این اقدام نشان داد که هدایت و مدیریت تنگه هرمز در اختیار جمهوری اسلامی ایران است و در راستای تصمیمات شورای عالی امنیت ملی انجام شده است.

لاریجانی با اشاره به روند مذاکرات افزود: در مذاکرات نیز تلاش شد موضوع تنگه هرمز با مسئله معابر دریایی هم‌سطح معرفی شود، در حالی که این دو قابل مقایسه نیستند. تغییر دریایی موضوع است امروز وجود داشته باشد و فرادشته معابر کنند، اما حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز یک واقعیت راهبردی، تاریخی و پایدار است و نباید در قبال آن امتیاز داد.امروز باید فرمایشات امام خمینی(ره) قطار داشت: امام راحل بارها تأکید کردند که اگر باب امتیازدهی به دشمن باز شود، این روند پایدانی نخواهد داشت و دشمن تا رسیدن به نقطه کامل پیش خواهد رفت. دشمنان جمهوری اسلامی نیز نشان داده‌اند که نه تنها به قواعد بین‌المللی، بلکه حتی به قواعدی که خود مدعی آن هستند نیز پایبند نیستنداین کارشناس مسائل بین‌الملل با تأکید بر اینکه

صهیونیستی امنیتی برای آن‌ها به همراه نمی‌آورد، اما با وجود این، همچنان شاهد برخی مواضع و اقدامات مداخله‌جویانه و ادامه شیطنت‌ها و خباثت‌های آمریکا هستیم.
وی تصریح کرد: ما از آمریکا نباید انتظار دیگری داشته باشیم. در محاسبات راهبردی خود باید دشمن را همواره در نهایت لثامت در نظر بگیریم. راهبردی که رهبر شهید انقلاب پایه‌گذاری کردند و بر اساس آن پاسخ جمهوری اسلامی منطقه‌ای است و حتی می‌تواند فرامنطقه‌ای نیز باشد، عامل اصلی پیروزی‌های ما بوده و نباید این راهبرد تضعیف شود.
وی افزود: اگر آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تجاوزی انجام دهد، پاسخ ایران محدود به همان اقدام نخواهد بود، بلکه حوزه پاسخ جمهوری اسلامی منطقه است. رژیم صهیونیستی نیز باید بداند که اگر آمریکا به ایران تجاوز کند، یکی از مهم‌ترین نقاط پاسخ جمهوری اسلامی، اسرائیل خواهد بود.

لاریجانی خاطرنشان کرد: حوزه پاسخ جمهوری اسلامی هیچ‌گاه نباید محدود شود و نباید این تصور ایجاد شود که گفت‌وگوهای دیپلماتیک به معنای عقب‌نشینی از راهبردهای دفاعی کشور است.
لاریجانی در ادامه با تأکید بر ضرورت تقویت توان دفاعی کشور اظهار داشت: آنچه دشمن باید همواره از آن هراس داشته باشد، این است که جمهوری اسلامی برای دفاع از خود هیچ‌گاه شمشیرش را در غلاف نمی‌گذارد. ما باید سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای تقویت همان حوزه‌هایی که منشأ پیشرفت‌های اقتصادی کشور بوده‌اند انجام دهیم و در کنار آن، عرصه‌های جدیدی را نیز به توانمندی‌های دفاعی خود اضافه کنیم؛ چرا که دشمن در آینده با غافلگیری‌های بزرگ‌تری روی‌رو خواهد شد و نیروهای بااستعداد و پرتنوع کشور آماده جهش‌های بزرگ هستند.

وی افزود: در این زمینه نباید هیچ‌گونه کوتاهی صورت گیرد. یکی از ارکان اقتصاد جنگی نیز همین است که اولویت‌های دفاعی کشور در صدر برنامه‌ها قرار گیرد، زیرا این بخش نه سرپای اقتصاد، بلکه پیشران پیشرفت‌های کشور است.
این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد شکاف میان مردم و نظام گفت: یکی دیگر از محورهای فعالیت دشمن، هدف قرار دادن مردم است، زیرا ظهور و حضور عظیم مردم را بزرگ‌ترین خطر برای خود می‌داند. مردم ایران هیچ‌گاه اجازه نخواهند داد دشمن در کشور موفق شود؛ ممکن است دست به جنایت بزند، شهید بگیرد و خسارت وارد کند، اما هرگز به اهداف خود دست نخواهد یافت.

وی با تأکید بر ضرورت پاسداری از اتحاد ملی اظهار داشت: حفظ این اتحاد که همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده، یکی از مهم‌ترین ارکان قدرت کشور است. همان‌گونه که اشاره کردم، افزایش تاب‌آوری، به‌ویژه تاب‌آوری اقتصادی، یکی از پایه‌های این انسجام است و رکن دیگر آن اطلاع‌رسانی صحیح و دقیق است.

لاریجانی با اشاره به هشدار رهبر معظم انقلاب درباره اشتباه محاسباتی مسئولان افزود: این موضوع بسیار مهم است و می‌توان درباره آن به تفصیل سخن گفت. به اعتقاد من، همه مسئولان و همه کسانی که در اداره کشور نقش دارند، باید محور همدلی خود را رهبری قرار دهند.

وی ادامه داد: بخشی از حرف‌هایی که این روزها مطرح می‌شود، ناشی از بدفهمی‌ها و نگرانی‌هایی است که در میان مردم به وجود آمده؛ از جمله اینکه مبادا سخنان رهبر معظم انقلاب بر زمین مانده باشد. از این رو باید خیلی سریع، روشن و شفاف نشان دهیم که اتحاد، همدلی و وفاق کشور دارای یک محور است.این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: اگر اتحاد، همدلی و وفاق محور نداشته باشد، به مجموعه‌ای پراکنده و سرگردان تبدیل می‌شود. این محور، ولایت فقیه و رهبری است. همه ما مستقیم است در موضوعات مختلف؛ اختلاف‌نظر داشته باشیم و اساساً اختلاف‌نظر یک برکت است؛ مگر همه ما کپی یکدیگر هستیم؟ انقلاب به این همین شکل گرفت که بتوانیم دیدگاه‌های مختلف را مطرح کنیم و در بسیاری از موارد همین اختلاف‌نظرها زمینه پیشرفت را فراهم می‌کند، به شرط آنکه اتحاد از بین نرود.وی خاطرنشان کرد: مشروعیت حرکت ما در این است که اتحادمان پشت سر رهبری حفظ شود. همه باید دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، اما در نهایت، فکر و نظر مشروع همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب تثبیت می‌کنند. اگر این محور حفظ شود، با توجه به همراهی مردم، مسئولان و همه ارکان کشور، این اتحاد بسیار مستحکم باقی خواهد ماند. دشمن تاکنون نیز نتوانسته این اتحاد را بشکند؛ حتی با وجود آنکه به تعبیر وی «رهبر بزرگ ما را آن‌گونه سیمانه شهید کرد»، نتوانست این انسجام را از بین ببرد.لاریجانی در ادامه اطلاع‌رسانی را یکی از ضرورت‌های مهم کشور دانست و گفت: مردم ایران بسیار باهوش و دقیق هستند و نباید تصور کرد در سخنی را می‌پذیرند. آن‌ها پاسخ‌های روشن و دقیق می‌خواهند.

یکشنبه ۷ تیر ۱۴۰۵ – ۱۳ محرم ۱۴۴۸ – ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶ – شماره ۷۷۷۴

یکشنبه ۷ تیر ۱۴۰۵
اذان صبح :۰۴:۳۱
طلوع آفتاب :۰۵:۴۷
اذان ظهر :۱۲:۰۷
غروب آفتاب :۱۸:۲۸
اذان مغرب :۱۸:۴۷
نیمه شب :۲۳:۲۵

nasimgilan۷۶@yahoo.com

از منتقد جنگ‌های بی‌پایان تا معمار توافق با ایران

قمار بزرگ جی‌دی ونس در مذاکره با ایران



میان‌مقام‌های آمریکایی و ایرانی از زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ را بر عهده گرفت.
جی‌دی ونس با پذیرش نقش محوری در مذاکرات آتش‌بس و توافق با ایران، پریسک‌ترین مأموریت سیاسی دوران خود را آغاز کرده است. او که پیش‌تر منتقد جنگ‌های آمریکا بود، اکنون ناچار شده از توافقی دفاع کند که با مخالفت تندروهای جمهوری‌خواه و حامیان اسرائیل رویه‌روست. این توافق می‌تواند هم جایگاه سیاسی ونس را احیا کند و هم آینده سیاسی او در انتخابات ۲۰۲۸ را تحت تأثیر قرار دهد.

جی‌دی ونس با تبدیل شدن به چهره اصلی توافق آتش‌بس با ایران، بزرگ‌ترین قمار دوران معاونت ریاست‌جمهوری خود را انجام داده است؛ توافقی متزلزل که از هم‌اکنون نیز نشانه‌های فروپاشی در آن دیده می‌شود. با این حال، پس از ماه‌ها پلاتکلیفی ناشی از جنگ، این توافق شاید بهترین فرصت برای ونس باشد تا بار دیگر جایگاه سیاسی خود را تثبیت کند. جی‌دی ونس و پرهزینه‌ترین مأموریت سیاسی دوران فعالیتش به گزارش فرارو به نقل از روزنامه گاردین، از زمان آغاز جنگ دولت برادر شده ایران در ماه فوریه، فضای ناامیدی و سردرگمی بر اردوگاه معاون رئیس‌جمهور سایه افکنده بود. جی‌دی ونس که همواره از منتقدان سرخست «جنگ‌های بی‌پایان» آمریکا به شمار می‌رفت، اکنون ناچار شده بود از بزرگ‌ترین مداخله نظامی واشنگتن در خاورمیانه طی یک نسل اخیر دفاع کند.

در عرصه عمومی، او از جلسات تصمیم‌گیری جنگی در اقامتگاه مارالاکو کنار گذاشته شده بود و در محافل غیررسمی نیز خبرنگاران از مخالفت او با جنگ خبر می‌دادند. یکی از همکاران پیشین ونس در سن‌ما می‌گوید: «می‌شد به‌وضوح دید که او عمیقاً از این جنگ ناراضی بود، اما در نهایت تصمیم گرفت با شخص ترامپ همراه شود.»به گفته برخی منابع آگاه، این جنگ حتی می‌توانست شانس احتمالی جی‌دی ونس برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۸ را به خطر بیندازد. او در ماه‌های اخیر بخشی از موقعیت خود را در برابر مارکو رابییو از دست داده است؛ سیاستمداری با گرایش‌های تندرو در حوزه سیاست خارجی که عملکرد قابل قبولی به‌عنوان یک دیپلمات ارشد نشان داده است.

اندرو دی، نویسنده نشریه د امریکن کانسرویٹیو می‌نویسد: «برای بسیاری از رأی‌دهندگان، ونس اکنون نماینده دولتی است که بر اقتصاد کم‌رہمق، افول ژئوپلیتیکی و جنگی فاجعه‌بار با ایران نظارت دارد. وست برای آنکه در نهایت پیروز شود، ابتدا باید هویت سیاسی خود تعریف کند.»

جی‌دی ونس در خط مقدم دیپلماسی با ایران

هیچ‌کس تردید نداشته که جی‌دی ونس با پذیرفتن نقش مذاکره‌کننده با ایران از طریق میانجی‌گری پاکستان، دست به یک قمار سیاسی زده است. او هدایت‌عالی‌ترین سطح تماس

همزمانی مواضع دونالد ترامپ و رافائل گروسی درباره لزوم بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران، بار دیگر موضوع بازرسی‌ها را به کانون تحولات دیپلماتیک بازگردانده است؛ اما عدم دیدار گروسی با هیئت ایرانی در سوئیس نشان می‌دهد این تلاش، دست‌کم در نخستین گام، با بی‌نت رویه‌رو شده است.

همزمان با اظهارات دونالد ترامپ درباره ضرورت بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران — بدون آنکه زمان یا جزئیات مشخصی ارائه کند — رافائل گروسی نیز بار دیگر به شکلی هماهنگ، موضوع ازسرگیری بازرسی‌ها را در صدر مواضع خود قرار داده است.این همزمانی و نوعی فشار سیاسی، پیش از آن تصادفی به نظر برسد، نشان‌دهنده تلاش برای احیای یک دستورکار مشخص است.در مقابل، رفتار هیئت ایرانی در مذاکرات سوئیس نیز پیام روشنی داشت. با وجود درخواست گروسی، هیچ دیداری میان او و تیم مذاکره‌کننده ایران انجام نشد و «کاتلم غریب آبادی» معاون وزیر امور خارجه نیز صریحاً اعلام کرد نه برنامه‌ای برای دسترسی به تأسیسات آسیب‌دیده وجود دارد و نه موضوع بازرس‌ها خارج از چارچوب. غریب آبادی در همین راستا اعلام کرد: «برنامه‌ای برای دسترسی به تأسیسات مورد حمله واقع شده و مواد هسته‌ای وجود ندارد. این مباحث صرفاً در چارچوب توافق نهایی و در نتیجه اقدام عملی طرف مقابل در خاتمه تمامی تحریم‌ها و… برسی و تعیین تکلیف خواهد شد. نمی‌توانید با هم‌راهی روسی، ای سیاست «راه بنیاز» و چینداز» را پیش ببرید.»از سوی دیگر، خود گروسی نیز برخلاف برخی فضاسازی‌های رسانه‌ای، اذعان کرد که هنوز کارشناسان آژانس به سایت‌های هسته‌ای ایران دسترسی پیدا نکرده‌اند و

یوسفیان ملا:

وقتی با دیپلماسی منافع تأمین می‌شود، گزینه جنگ منطقی نیست



نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه وقتی با دیپلماسی می‌توان منافع ملی را تأمین کرد گزینه جنگ منطقی نیست، گفت: نباید تصور کنیم که تمامی مسائل تنها با برخورد نظامی و زور حل می‌شوند بسیاری از بحران‌ها را می‌توان با مدیریت صحیح و دیپلماسی مدیریت کرد. «عزت‌الله یوسفیان‌ملا» در ارزیابی پیام اخیر رهبر انقلاب اسلامی درباره مذاکرات ایران و آمریکا گفت: این بیانات در واقع موجب تقویت جایگاه مقامات کشور می‌شود.ایشان فرمودند با وجود تفاوت دیدگاه، نظر مسئولان را می‌پذیرند. من در دوران ۱۶ سال حضورم در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، شاهد موارد مشابهی بودم. استنفانات و شورای فقهی را می‌دیدیم، رهبر شهیدمان گاهی نظر متفاوتی داشتند، اما می‌فرمودند که با وجود اینکه نظر من چیز دیگری است، به نظر سر‌ان سه قوه احترام می‌گذارم و نظر آنان را پشپای عمل است. از این رو این مساله، موضوعی عادی و کاملاً مرسوم است و اصلاً موضوع جدیدی نیست، این رویه‌ای بوده که زمان رهبر شهیدمان نیز اجرا می‌شد و اکنون نیز ادامه دارد.نماینده دوره هفتم تا دهم مجلس شورای اسلامی ادامه داد: قانون اساسی تصریح کرده است که رئیس‌جمهور عالی‌مقام اجرائی پس از مقام معظم رهبری است. رئیس شورای عالی امنیت ملی و مسئول امنیت کشور هم رئیس‌جمهور است و در این حوزه، رئیس‌جمهور اختیار لازم را دارد و هر زمان که تشخیص دهد امنیت کشور با مسائلی مواجه شده است، می‌تواند اعلام نظر کند، و نظر ایشان معمولاً مورد پذیرش رهبر انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد، مگر اینکه مشکلی شناسایی وجود داشته باشد.یوسفیان‌ملا در ارزیابی این گفته رئیس‌جمهور به گروه‌های سیاسی مبتنی بر اینکه برای حفظ وحدت سکوت می‌کنم. گفت: پیام اصلی این سخنان برای گروه‌های سیاسی این است که رئیس‌جمهور از اهداف و جریان‌های موجود آگاه است و می‌داند برخی افراد مسائل را بهانه قرار می‌دهند. منظور ایشان این است که علیرغم برخورداری از جایگاه برای پاسخگویی، به خاطر مصالح نظام و امنیت کشور، از پاسخ خودداری می‌کند. در واقع، این سکوت نه از سر ناتوانی، بلکه به دلیل تعهد به سوگندت ریاست جمهوری و اولویت دادن به امنیت ملی است، به گونه‌ای که او جهانی، مانع از فعالیت‌های ما می‌شد.